خبرساران

با برپایی جلسه‌ای اضطراری انجام شد

اعتراض خانه سینما به نهادهای خارج از قوه مجریه

● **بهناز شیربانی:** پنجشنبه چهارم‌دی پردیس سینمایی کورش در غرب تهران مملو از جمعیتی بود. عده زیادی برای دیدن «خانه پدری» از شهرهای دور و نزدیک به این سینما آمده و بلیت‌های‌شان را پیش‌خرید کرده بودند. حاضران می‌گفتند پردیس سینمایی کورش تا به امروز چنین جمعیتی را به خود ندیده. «خانه پدری» قرار بود تنها در چهار سالن سینما در تهران اکران شود و در قالب گروه سینمای هنر و تجربه روی پرده برود، اما روی همین اکران محدود را هم ندید و شامگاه جمعه برای بار دوم توقیف شد. دلواپسان آنچنان به فیلم آخر کیانوش عیاری تاختند که عاقبت قفل توقیف بر در «خانه‌پدری» خورده شد. به این ترتیب سهم این فیلم از اکران محدود، تنها نمایش در هشت‌سانس سینما کورش بود و آخرین سانس نمایش فیلم جمعه‌شب به پایان رسید. کشمکش چهارساله بر سر ۱۰دقیقه جنجالی به آنجا ختم شد که خبر توقف نمایش «خانه‌پدری» در برخی خبرگزاری‌ها منتشر شود. پس از آن کیانوش عیاری، کارگردان فیلم در گفت‌وگو با «شرق» خبر توقف نمایش فیلمش را تایید کرد. فیلم پرحاشیه عیاری در حالی توقیف شد که روز گذشته حجت‌الاسلام مرتضی آقاتهرانی، نایب‌رییس اول کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با «فارس» درباره آن در گروه هنر و تجربه گفته بود: «مجلس درباره فیلم «خانه‌پدری» نظر دارد و محتوای آن را مناسب نمی‌داند و معتقد است این فیلم نباید از امتیاز اکران استفاده کند.» در کنار مخالفت برخی نمایندگان مجلس و کارگردانانی چون جمال شورجه با اکران محدود فیلم، سینماهای زیرمجموعه شهرداری و حوزه هنری هم در روزهای گذشته بر سر نمایش «خانه‌پدری» بهانه‌تراشی کرده بودند. «فارس» چندروز پیش به نقل از «منابع آگاه» خود در حوزه هنری، خبر داده بود که حوزه در ادامه سیاست پرهیز از اکران فیلم‌های سیاه و ضددینی، خانه‌پدری را در سینماهای خود اکران نخواهد کرد. از میان سینماهای حوزه هنری، سه سینمای پردیس آزادی، سوره اصفهان و هویزه مشهد به نمایش فیلم‌های گروه هنر و تجربه اختصاص داشت که مطابق تصمیمات اخذشده در مورد نمایش این فیلم، حوزه هنری با گروه هنر و تجربه همکاری نکرد. از سوی دیگر، روز جمعه «خانه هنرمندان ایران» هم از اکران این فیلم کنار کشید. حالا همه‌چیز به تصمیم مدیران گروه هنر و تجربه وابسته است. مدیرانی که ریسک اکران«خانه پدری»را به جان خریدند و در مقابل فشارهای چند روز گذشته مقاومت کردند و هیچ واکنشی نسبت به توقیف این فیلم نشان ندادند. جلسات متعدد گروه سینمای هنر و تجربه روز گذشته؛ شش‌دی انجام شد، اما پیگیری‌های ما برای اطلاع از تصمیم این گروه بی‌نتیجه ماند. هرچند صحبت‌های کیانوش عیاری تکلیف را تا حد زیادی روشن کرد، او با ناامیدی از توقیف مجدد فیلمش گلایه کرد و در گفت‌وگو با «شرق» به این نکته اشاره کرد که باید دید تصمیم گروه هنر و تجربه درباره اکران این فیلم چیست؟ اما در کنار این اتفاقات، هیات‌مدیره خانه سینما جلسه‌ای اضطراری برای حل مشکلات سینمای ایران تشکیل داد؛ جلسه‌ای که در آن از دخالت نهادهای خارج از قوه‌مجریه در امور سینمای ایران گلایه شد. فرهاد توحیدی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره این جلسه گفت: پنجم‌دی جلسه‌ای اضطراری در خانه سینما داشتیم و در روزهای آینده نیز جلسات دیگری با دوستان مختلف و فرهیختگان سینما خواهیم داشت تا با برگزاری این جلسات، راه‌هایی برای برون‌رفت از مشکلاتی بیابیم که در چند ماه اخیر گریبان سینمای ایران را گرفته است.»وی ادامه داد: «تصور ما بر این است که دخالت نهادهایی خارج از قوه‌مجریه برای سینمای ما ایجاد مشکل می‌کند تا جایی که همچنان اعتبار پروانه نمایش، آینده سینمای ایران، امنیت شغلی سینماگران، از بحث‌های مهم سینمای ماست که با اقداماتی که خارج از حوزه‌های مدیریتی سینما انجام می‌شود، مخاطره‌آمیز شده است. این فیلمنامه‌نویس اظهار امیدواری کرد که این جلسات تا پایان هفته جاری به جمع‌بندی برسد و مشروح آن اعلام عمومی شود.» توحیدی درباره موضع‌گیری حوزه هنری و تحریم دوباره برخی از فیلم‌ها توسط این نهاد توضیح داد: این مساله نیز یکی از مهم‌ترین مباحث ما در این جلسه بود. چنانکه سال گذشته نیز از موضع‌گیری‌های حوزه هنری و تحریم شش‌فیلم توسط آن، راضی نبودیم و جلسات مختلفی با مسوولان حوزه گذاشتیم که به نتیجه نرسید اما سال گذشته دستمان بسته بود، زیرا خود ارشاد نیز در آن ماجرا نقش داشت و تلاش کردند خانه سینما و حوزه را مقابل هم قرار دهند و ما نیز کوشیدیم این اتفاق نیفتد ولی در هر حال، سینما لطمه دید و فیلم‌هایی متضرر شدند. این هنرمند سینما ادامه داد: متاسفانه آن اقدامات همچنان در حال پیگیری و این موضع‌گیری همچنان سر جای خود باقی است. توحیدی با یادآوری وظایف صنفی خانه سینما خاطرنشان کرد: وظیفه صنفی ما ایجاب می‌کند با این موضع‌گیری مخالفت کنیم؛ چرا که امنیت شغلی ما در گرو این است که تصمیم‌گیری‌ها توسط یک دولت انجام شود، یک مرجع پروانه نمایش صادر کند و اسناد صادره از اعتبار برخوردار باشند اما در شیوه فعلی، امنیت شغلی سینماگران و سرمایه‌گذاری در سینما به خطر می‌افتد.

یادداشت روز

درباره فیلم «خانه پدری» به کارگردانی کیانوش عیاری

فریاد استخوان

سعید عقیقی
منتقد فیلم

این یادداشت، در پی نقد جزییات فیلم کیانوش عیاری نیست. ستایشی است از همان صحنه‌ای که نمایش فیلم را پنج‌سال به تعویق انداخت؛ همان صحنه‌ای که اگر نباشد، خانه پدری دیگر خانه پدری نیست. فیلمی است ترسو و حقیر و نان‌به‌نرخ‌روزخور و محافظه‌کار و بی‌سروته؛ از جنس فیلم‌های محبوب دوستداران میزهای بزرگ و صندلی‌های گردان چرمی. پدر (مهران رجبی) پسرش را وامی‌دارد که دخترش را بکشد و در این وضعیت، هم اصرار می‌کند و هم می‌گرید. هرکس خودش را پدر تصور کند، بی‌تردید از مشاهده این صحنه شرمسار خواهد شد، و هرکس معتقد است چنین پدرانی وجود نداشته و ندارند، بد نیست نگاهی به صفحه حوادث روزنامه‌ها بیندازند. فیلم درباره یک‌اشتباه تاریخی بزرگ است؛ اشتباهی بزرگ‌تر از جنایت خشن آغاز فیلم. خانه پدری درباره ریاکاری و پنهانکاری‌ای است که وقتی قرار است اتفاق بیفتد، مجبور است جنایت را به دروغ‌های شاخدار تاریخی وصل کند و نسل‌ها را بفریبد. اما چیزی به نام وجدان هست که صحنه فریاد استخوان را به تجربه‌ای شگفت‌انگیز بدل می‌کند. با تیغه‌کردن دیوار، حقیقت عوض نمی‌شود. آن صحنه، سبب می‌شود که «وجدان‌شُمار» ذهن به راه بیفتد و تا وقتی فیلم در ذهن بینندگانش زنده است، از پا نایستد. به این‌سان، تمام وسیله‌ها، از قالی نیمه‌کاره ملوک و آن هاون‌دستی (ابزار جنایت) بگیرید تا آمر و عامل خشونت، تمامشان در رخداد خشونت‌بار زیرزمین کارآمد یا مسوولند. شاید هیچ‌فیلم و صحنه‌ای در سینمای ایران، تا این حد علیه خشونت شمشیر نکشیده و بابتش تاوان نداده باشد. فیلم دارد از جنایتی حرف می‌زند که در صورت وقوع، نسل‌اندرنسلش را با خود درگیر می‌کند و تا زمانی که وجدان به فریاد استخوان نرسیده، نمی‌تواند آرام بگیرد. بسیاری از عادت‌ها، مثل جنایت، لاپوشانی، دروغ و خدعه، در فیلم رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند و اصلا مهم نیست که ما بخواهیم یا نخواهیم صدای فریاد استخوان را بشنویم. وقتی فیلم بندر مه‌آلود مارسل کارنه به نمایش درآمد، سخنگوی دولت ویشی (فرانسه تحت امر نازی‌ها) گفت: «اگر ما جنگ را باختیم دلیلش این فیلم بود!» و جواب کارنه از جنس فریاد استخوان بود: «گناه توفان گردن بادسنج نیست. وظیفه هنرمند این است که بادسنج دوران خود باشد.» شاید لازم باشد برای توضیح دقیق حرفم از جلسه مطبوعاتی فیلم در جشنواره گذشته مثال بیاورم. آقایی پرسید: «مگر کشتن دختر چه اشکالی دارد؟ خب او حتما گناهی کرده که تاوانش مرگ است.» خانه پدری پیشکش؛ همین جمله به‌مراتب خشن‌تر از تمام صحنه‌های خشن تمام فیلم‌های خشن تاریخ سینماست. کسی به فکر چنین گوینده‌ای هست و گویندگان دیگر، در گوشه‌وکنار خانه پدری ما؟ حیرت نمی‌کنید از اینکه ما به‌جای مشاهده فیلم به‌عنوان یک ناظر بی‌طرف، به چشم‌برهم‌زدنی خود را به‌جای پدر گذاشته‌ایم؟ به این اعتبار، خانه پدری فیلمی تکان‌دهنده درباره ناخودآگاه جمعی نیز هست. چرا هرکس می‌خواهد درباره فیلم حرف بزند، به‌جای نومیدی قربانی و معصومیت بربادرفته برادرش، از خشونت پدر آغاز می‌کند و راست و دروغ آن را می‌سنجد؟ بیایید یک‌بار هم به این بیندیشیم که اگر فرهنگ ملی و بومی چیزی است که یک فیلم می‌تواند آن را منهدم کند (گو اینکه اصلا چرا باید چنین کاری بکند؟)، مشکل حتما از آن فرهنگ بومی و ملی است. من در آن صحنه صدای استخوان می‌شنوم. صدای کسی که فقط کشته نمی‌شود؛ پنهان می‌شود. این‌همه اصرار بر نهان‌کردن و دیده‌نشدن فیلم، بسیار شبیه همان‌کاری است که پدر می‌کند و به پسرش می‌آموزد، با واسطه سبب قتل مادر می‌شود، زندگی نسل‌های بعد را تغییر می‌دهد و در نهایت، زخمی به پیشانی نسلی می‌زند که بی‌خبر از حقیقت، تنها می‌کوشد راهی به نهانخانه اجدادش بیابد. نکند اینها همه بهانه است و تنها گناه ملوک و فیلم، انعکاس دوباره فریاد استخوان در زیرزمین ذهن است؟

۲ موسسه «آرت پرایس» و «فیاک» اعلام کردند

۵ هنرمند ایرانی در بین برترین‌های ۲۰۱۴

مشیری

بنی صدر

درخشانی

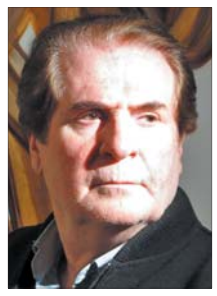

شیشه گران

پیرهاشمی

امیر محقق: نفس‌های سال۲۰۱۴ به شماره افتاده و موعدِ جمع‌بندی این سال است. ۲۰۱۴، سال اتفاقات تلخ و شیرین بود. هم سال یورش تروریست‌های داعش، جنگ اوکراین و سقوط هواپیماها بود، هم سال برگزاری جام جهانی فوتبال، مواجهه افتخارآمیز ایران مقابل آرژانتین و درخشش والیبالیست‌های جوان ایرانی. برای هنرمندان ایران هم با تلخی و شیرینی بسیاری همراه بود. از تلخی‌ها می‌گذریم و از یکی از شیرینی‌های این سال یاد می‌کنیم: اعلام قرارگرفتن نام پنج‌ایرانی در فهرست ۵۰۰هنرمند برتر جهان. هر سال، «آرت پرایس» (مهم‌ترین مرجع مارکت هنر جهان) در کنار «فیاک» (موسسه نمایشگاه‌های بین‌المللی پاریس) گزارشی را منتشر می‌کنند که متر و معیاری مهم برای تحلیل و بررسی وضعیت هنر معاصر جهان از دو بعد اقتصادی و هنری است. این دو موسسه در حالی گزارش سالانه خود را با محوریت نقاشی، مجسمه، ویدیو و عکاسی معاصر جهان منتشر کرده‌اند که به جایگاه درحال رشد هنر ایران در منطقه و جهان اشاره شده است. براساس این گزارش، فرهاد مشیری ۵۱ساله، هنرمندی است که آثارش بیشترین فروش را در حراج‌ها داشته است. بیشترین قیمتی که برای فروش اثری از او چکش خورده، حدود ۲۵۸هزاردلار بوده و مجموع هفت اثر فروش‌رفته از او ارزشی برابر با ۸۸۰هزاردلار داشته است. در رتبه بعدی، علی بنی‌صدر با ۳۸سال سن قرار دارد که مجموعا چهار اثر از او به مبلغ ۴۷۷هزاردلار فروخته شده و گرانبهاترین اثرش ۲۴۳هزاردلار به فروش رفته. سومین هنرمند، رضا درخشانی ۶۲ساله است که پنج‌اثر او به قیمت ۳۷۴هزاردلار فروخته شده و گران‌ترین اثرش ۲۰۲هزاردلار بوده. در جایگاه بعدی، کوروش شیشه‌گران ۶۹ساله قرار دارد که سه اثر از او در حراج‌ها فروخته شده و مجموع قیمت آثارش ۱۷۴هزاردلار بوده است. بالاترین قیمت چکش‌خورده برای تابلوهای او ۸۷هزاردلار است. رتبه پنجم هم در اختیار افشین پیرهاشمی، هنرمند ۴۰ساله است که سه اثر او به قیمت ۱۶۳هزاردلار در حراج خریداری شده و ۱۱۴هزاردلار، گرانبهاترین اثر فروخته شده اوست. براساس گزارش آرت پرایس، مجموع ارزش آثار این پنج هنرمند ایرانی به مبلغی بالغ بر دومیلیون‌دلار می‌رسد و از مجموع ارزش آثار هنرمندان ترکیه که یک‌میلیون‌و۶۰۰هزاردلار بوده، بیشتر است. شاخص قیمت آثار این هنرمندان از حراج‌های دوحه، دوبی، کازابلانکا و تهران به دست آمده است. حراج‌های خارج از این منطقه معمولا در لندن برگزار می‌شود که گاهی اوقات رکورد فروش‌های جدیدی در آن به جا گذاشته می‌شود. حراج‌های دوبی و لندن معمولا محل خوبی برای عرضه آثار گرانبها و فروش آثار با قیمت‌های نجومی است. زمانی نیویورک نیز فرصت خوبی به شمار می‌آمد اما از سال۲۰۱۰ نقش چندان پررنگی را از این حیث ایفا نمی‌کند. برخی هنرمندان ایرانی همچون فرهاد مشیری، علی بنی‌صدر و رضا درخشانی که در حراج‌های دوبی حضور مستمری داشته‌اند، شاخص قیمت فروش بیشتری را از آنِ خود کرده‌اند. نکته قابل‌توجه اینکه حراج‌هایی که در دوبی برگزار می‌شوند تلاش خود را می‌کنند تا بتوانند فرصت و محلی برای رشد هنرمندان خاورمیانه و حاشیه خلیج‌فارس باشند. آرت پرایس همچنین در تحلیل شرایط بازار هنری ایرانیان چنین عنوان کرده است: «مسایل اجتماعی و چالش‌های جامعه مدرن ایران، از جمله موضوع‌های آثار هنری هنرمندان ایرانی بوده. آثار این هنرمندان که غالبا در آمریکا و امارات به نمایش گذاشته می‌شوند، نشان‌دهنده زندگی روزانه و فضای سیاسی- اجتماعی ایران هستند، در عین حال که در آنها تلاش شده تا با تعصبات و ذهنیتی که در غرب در قبال ایران وجود دارد، مقابله کنند.» در ادامه گزارش آمده است: «همانطور که جو حاکم بر ایران میان سنت و مدرنیته مانده است، هنرمندان ایرانی نیز شوق خلاقانه خود را با ادای احترام به سنت، ترکیب می‌کنند. آثار آنها که ریشه در تاریخ دارد و به نوعی آگاهی سیاسی می‌دهد، در موزه‌های بانفوذی همچون موزه مدرن تیت لندن، مرکز فرهنگی هنری ژرژ پمپیدو در پاریس و گوگنهایم در نیویورک توجه‌ها را به خود جلب کرده‌اند؛ به طوری که این موزه‌ها مشتاق به نمایش آثار جدید این هنرمندان هستند و گالری‌های هنر، خانه‌های حراج، مجموعه‌دارها و دیگر عوامل دنیای هنر نسبت به آثار این هنرمندان کنجکاوی زیادی نشان می‌دهند.» این گزارش سپس به فروش آثار هنرمندان ایرانی اشاره کرده است: «در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ حراج‌های بزرگی که در خاورمیانه برگزار شدند، خصوصا حراج کریستیز سال۲۰۰۶ در دوبی، باعث شدند هنر خاورمیانه و ایران بیش از گذشته به عرصه‌های جهانی راه پیدا کند. مجموع فروش حراج کریستیز دوبی در آوریل۲۰۰۸ رکورد جدیدی در تاریخ حراج‌های خاورمیانه (بخش هنر مدرن و معاصر) برجای گذاشت. هرچند بعد از بحران اقتصادی سال۲۰۰۸ مجموع فروش آن افت کمی داشت اما درحال حاضر به این سمت رفته است که جایگاه قابل اتکایی برای خود دست‌وپا کند.»

«آرت پرایس» به‌عنوان منتشرکننده این فهرست، نقشی راهبردی در ارایه بانک اطلاعات هنرمندان دنیا دارد. چیزی که اهمیت این فهرست را بازگو می‌کند این است که این ۵۰۰هنرمند از بین بیش از ۵۰۰هزار هنرمند فعال در سراسر جهان انتخاب شده‌اند. این موسسه، اطلاعات مورد نیاز برای این رتبه‌بندی را از طریق موسسات اصلی حراج، گالری‌های دنیا و مجموعه‌داران تهیه می‌کند. «آرت پرایس» با دسترسی به اطلاعات و تصاویر بیش از صد میلیون اثر هنری از سال۱۷۰۰ میلادی به این‌سو، به تحلیل‌های دقیق خود در عرصه هنر شهرت دارد. مبنای آرت پرایس و فیاک برای این رتبه‌بندی، حجم فروش آثار هنرمندان، حد فاصل جولای۲۰۱۳ تا ژوئن۲۰۱۴ بوده است و درعین حال بیشترین رقم حاصل از چکش‌خوردن آثار این هنرمندان هم در این رتبه‌بندی دخیل بوده است.

راه‌اندازی موزه - گالری «صادق تیرافکن»

شرق: تولد صادق تیرافکن با برپایی نمایشگاه عکس‌هایش در محلی که برای راه‌اندازی موزه گالری او درحال تاسیس است، گرامی داشته می‌شود. صادق تیرافکن از عکاسان جوان ایرانی بود که اردیبهشت سال قبل پس از یک دوره تحمل بیماری سرطان درگذشت. این عکاس متولد دی‌ماه ۱۳۴۴ است و به همین مناسبت همزمان با سالروز تولدش، بخشی از عکس‌های او به نمایش گذاشته می‌شود.

قاسم تیرافکن، برادر این هنرمند در مورد جزییات نمایشگاه به «شرق» گفت: «تعدادی از کارهای صادق تابه‌حال نمایش داده نشده‌اند. با توجه به این موضوع، بخشی از آثار کلاژ او را برای این نمایشگاه انتخاب کرده‌ایم که نزدیک به ۶۰اثر است اما ازآنجاکه ممکن است به دلیل محدودیت جا، همه کلاژها امکان نمایش نداشته باشند، احتمالا ۳۰ الی ۵۰کلاژ نشان داده می‌شوند.»

او با بیان اینکه در تدارک نمایشگاه دیگری از آثار تیرافکن در موزه هنرهای معاصر اهواز است، به راه‌اندازی موزه گالری تیرافکن اشاره کرد: «بعد از فوت صادق، متوجه شدم باید مکانی به‌صورت مستقل و بدون وابستگی به نهاد یا ارگان خاصی تاسیس کنیم که بتوانیم آثار او را نمایش دهیم. به همین دلیل بنیاد تیرافکن، ساختمانی را به این منظور اختصاص داد تا روند فعالیت‌های او نشان داده شود.»

این ساختمان درحال آماده‌سازی برای تبدیل‌شدن به موزه- گالری است و حتی بخشی از آن به‌صورت آتلیه و تاریکخانه صادق تیرافکن بازسازی می‌شود تا بازدیدکنندگان آگاهی بیشتری از مجموعه کارهای او داشته باشند. همچنین به‌صورت ادواری نمایشگاهی از مجموعه‌های مختلف تیرافکن برگزار می‌شود.

قاسم تیرافکن در ادامه عنوان کرد که یکی از اهداف تاسیس این موزه- گالری ضمن معرفی آثار برادرش، توجه به عکاسی و به‌ویژه فتوآرت است که تیرافکن یکی از پیشگامان فروش این شاخه عکاسی در ایران بوده و تلاش بسیاری برای معرفی هنر معاصر ایران در دنیا داشته است.

نمایشگاهی نیز که قرار است همزمان با تولد صادق تیرافکن برگزار شود، از جمعه ۱۲دی به مدت چهارروز در ساختمان درنظرگرفته‌شده برای موزه- گالری تیرافکن به نشانی خیابان کریمخان، خردمندشمالی، کوچه اعرابی دوم، پلاک هشت برپا می‌شود.

تیرافکن در سال ۱۳۴۴ در کربلا از پدر و مادری ایرانی متولد و در کودکی همراه خانواده به ایران بازگشت و در خوزستان بزرگ شد. او در سال ۱۳۶۹ در رشته عکاسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برخی از آثارش در مجموعه‌های ثابت موزه‌های مطرحی چون بروکلین نیویورک، موزه‌ملی بریتانیا، موزه اروپایی عکس در پاریس، موزه لاکما (لس‌آنجلس) و همچنین موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود. تعدادی از آثارش هم در حراج‌های معتبر هنری در لندن، نیویورک و دوبی به فروش رسیده‌اند. نمایشگاه‌های انفرادی او در لندن، لوزان، تورنتو، بروکسل، کبک، نیویورک، هیوستن و... برگزار شده است. او در بسیاری از آثار خود از تکنیک فتومونتاژ یا فتوکولاژ استفاده می‌کرد.

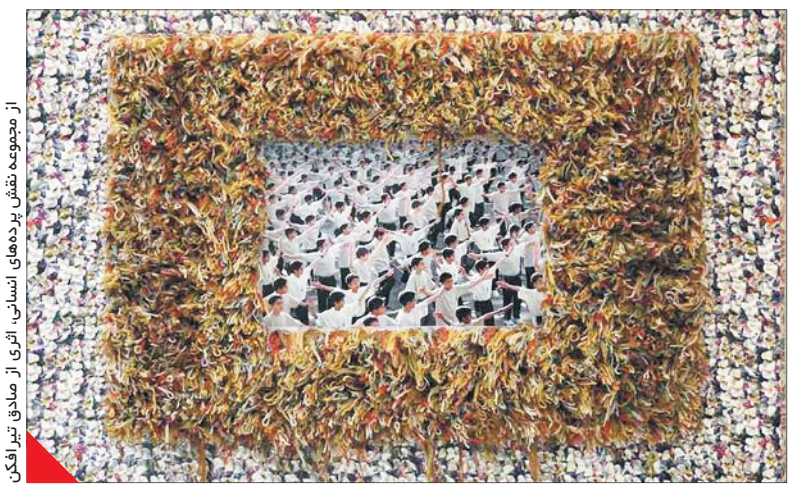

از مجموعه نقش پرده‌های انسانی، اثری از صادق تیرافکن

زیر آسمان فیروزه ای

سرپرست مرکز هنرهای نمایشی معرفی شد

اردشیر صالح‌پور سکاندار موقت تئاتر

● **شرق:** اردشیر صالح‌پور با حفظ سمت دبیری جشنواره تئاتر فجر، با حکم معاونت هنری وزارت ارشاد، سرپرست مرکز هنرهای نمایشی شد. در پی برکناری حسین طاهری و بنابر توصیه علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی مرادخانی دیروز شنبه ششم دی‌ماه طی حکمی سرپرستی مرکز هنرهای نمایشی را به اردشیر صالح‌پور سپرد. دوره مدیریت حسین طاهری به یک‌سال نرسید و او با انتشار نامه‌ای عمده‌ترین دلایل کناره‌گیری‌اش را دردسترس‌نبودن بودجه و دخالت‌های بدون هماهنگی معاونت هنری ذکر کرده و البته تاکنون معاونت هنری هیچ نظری در این‌باره ارایه نکرده است. در این‌روزها، نبودن بودجه در تئاتر گریبان بسیاری را گرفته و شوربختانه بیشتر اهالی تئاتر از وضعیت کنونی چندان رضایتی ندارند.

اردشیر صالح‌پور، نمایشنامه‌نویس، پژوهشگر و مدرس دانشگاه هم‌اکنون دبیر جشنواره تئاتر فجر است. او خودش کارمند مرکز هنرهای نمایشی است و تاکنون چندین‌بار دبیری جشنواره‌های مختلف را عهده‌دار بوده است.

برای اولین‌بار

یک‌زن، مدیر رادیو شد

● **شرق:** موج تغییرات صداوسیما به رادیو هم رسید و برای اولین‌بار یک زن ریاست این نهاد را برعهده گرفت. محمد سرافراز، رییس سازمان صداوسیما، رییس جدید صدا را معرفی و طی حکمی نسرین آبروانی را به سمت معاون صدای سازمان صداوسیما منصوب کرد.

در متن این حکم هفت بند به‌عنوان اهداف و ماموریت‌های رادیو ترسیم شده است که در اولین بند آن چنین آمده است: «چابک‌سازی و ادغام شبکه‌ها با ماموریت‌های مشابه و بازتعریف شبکه‌های رادیویی و گروه‌های برنامه‌ساز آنها با هدف گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در میان آحاد ملت.»

همچنین ارتقای کیفیت برنامه‌های تولیدی، تولید برنامه‌های موثر و هدفمند در شبکه‌های تخصصی، بهره‌گیری از مدیران کارآمد و آشنا به فناوری و مدیریت پیام در نقاط کلیدی زنجیره مهندسی و مدیریت پیام، ساماندهی استفاده از موسیقی در رادیو و افزایش پخش موسیقی‌های حاوی پیام با تاکید بر اشعاری که مخاطبان را با مبدا هستی آشناتر و علاقه‌مندتر می‌سازد، ایجاد حق‌انتخاب برای مخاطبان در هرزمان و مکان از طریق ساماندهی شبکه‌های رادیویی در فضای مجازی و تلفن همراه، تکمیل چرخه اتوماسیون و دیجیتال‌سازی تولید، پخش و آرشیو صدا از دیگر اهداف درنظرگرفته‌شده برای رادیو است.
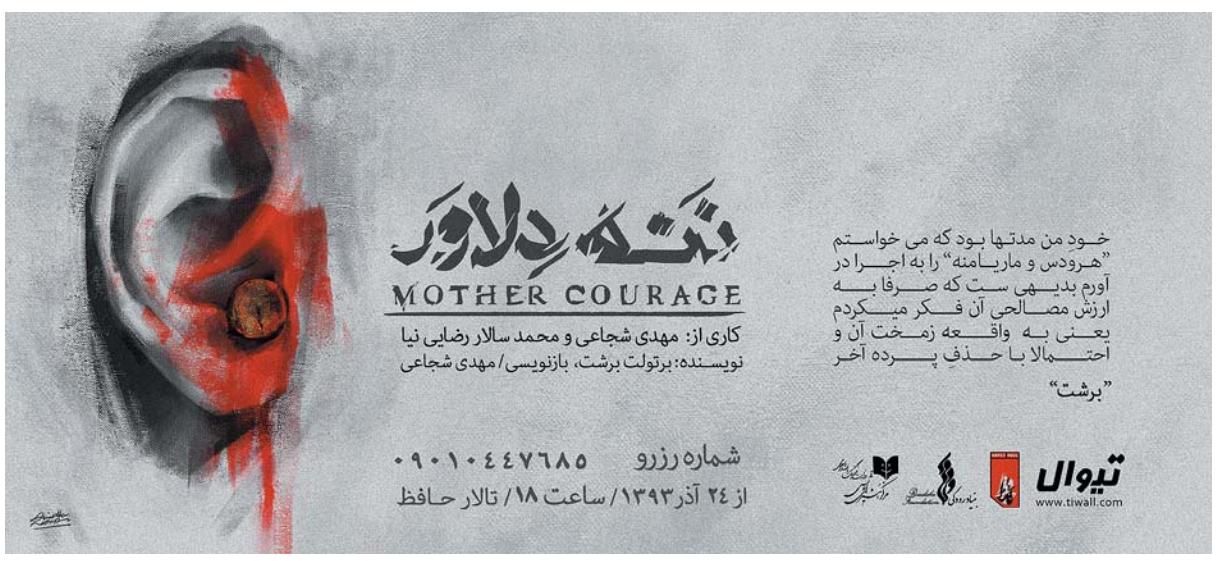
نسرین آبروانی متولد سال۴۳، با مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، از سال۱۳۷۲ در رادیو مشغول به کار شده است. او نویسندگی، سردبیری، تهیه‌کنندگی، مدیریت طرح و برنامه شبکه پیام، سرپرستی رادیوآوا و مدیریت شبکه‌های پیام و آوا را در کارنامه فعالیتش در معاونت صدا دارد. آبروانی که جایگزین محمد صوفی شده است، از سال۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ سردبیری و تهیه‌کنندگی برنامه ترکیبی «رنگارنگ» در شبکه رادیویی تهران، مسوولیت بخش نیم‌روزی شبکه پیام از سال۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ و عضویت در کمیته‌های تخصصی مشاغل رادیویی سازمان، کمیته ارزیابی برنامه‌های صدا و شورای موسیقی شبکه پیام در سال‌های مختلف را برعهده گرفته. او موفق به کسب رتبه اول نویسندگی، سردبیری و تهیه‌کنندگی شبکه پیام در جشنواره‌ششم تولیدات رادیویی شده است.